

# خبرها، گزارشها و تحلیلها در باره ناحیه قفقاز

## آمریکا و لهستان توافقنامه‌ی ایجاد سپر دفاع موشکی را امضا کردند

۳۰/۰۵/۱۳۸۷

لهستان و آمریکا امروز (چهارشنبه) توافق استقرار اجزای سیستم دفاع ضد موشکی آمریکا در خاک لهستان را امضا کردند.

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) به نقل از خبرگزاری اینترفاکس، کاندولیزا رایس، وزیر امور خارجه‌ی آمریکا به همراه رادوسلاو سیکورسکی، وزیر امور خارجه‌ی لهستان امروز طی مراسمی رسمی توافقی را رسماً به امضا رساندند که پنجشنبه هفته گذشته بر سر آن به توافق اولیه دست یافته بودند.

بر اساس این قرارداد آمریکا در فاصله‌ی سال‌های ۱۳-۲۰۱۱، ۱۰ موشک رهگیر خود را که مدعی است علیه "کشورهای شرور" به کار خواهد گرفت در خاک لهستان مستقر خواهد کرد.

رایس پیش از امضای این توافق گفته بود: این سیستمی است تدافعی و هدفش هیچ کسی نیست. این توافقی است که یک سپر دفاع موشکی را مستقر خواهد کرد که به ما کمک می‌کند با تهدیدات قرن ۲۱، تهدیدات موشک‌های دوربرد کشورهای شرور، مقابله کنیم.

یاب دوهوپ شفر، دبیرکل سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) نیز تهدیدات روسیه را علیه لهستان مبنی بر حمله به این کشور رد کرد و آن‌ها را "ادبیاتی بیهوده" خواند.

وی گفت: این تهدیدات فایده‌ای ندارد و راه به جایی نخواهد برد.

لخ کاپینسکی، رئیس جمهور لهستان رضایت زیاد خود را از نتیجه‌ی ۱۵ ماه مذاکره در این باره اعلام کرده است.

وی در کنار رایس گفت: هر دو طرف به اهداف خود دست یافته‌اند، این یک موفقیت عظیم برای لهستان است.

برای نهایی شدن این قرارداد و اجرایی شدن آن، پارلمان لهستان باید طی جلسه‌ای این توافق را تایید کند.

۲۱،۰۸،۲۰۰۸

## نزدیکی لهستان به آمریکا و تشدید رقابت‌های تسلیحاتی



دیمیتری مدودف، رئیس‌جمهور روسیه  
و یاپ دی هوب سخفر، دبیرکل ناتو

عقد قرارداد استقرار سیستم دفاع موشکی میان آمریکا و لهستان یکی از موضوعات مهم در مطبوعات امروز آلمان و اروپا بود. به نظر برخی از روزنامه‌ها، رویارویی اخیر ناتو با روسیه در بحران قفقاز، در تسریع امضای این قرارداد بی‌تاثیر نبوده است.

در حالیکه برخی از روزنامه‌ها امضای این قرارداد را در جهت تامین امنیت بیشتر در اروپا می‌دانند، برخی دیگر، آن را خطری برای شروع رقابت تسلیحاتی و جنگ سرد جدید قلمداد می‌کنند.

ناتوانی ناتو

روزنامه آلمانی "زود وست تسایتونگ" درباره عقد قرارداد استقرار سیستم دفاع موشکی میان لهستان و آمریکا می‌نویسد: «روسیه استقرار سپر دفاع موشکی در لهستان را به عنوان اقدامی غیردوستانه ارزیابی می‌کند، زیرا با این اقدام، ناتو به مرزهای روسیه بیش از پیش نزدیک می‌شود. اما مشکل واقعی سپر دفاع موشکی، دقیقاً در این نکته نهفته است که این اقدام نه از سوی ناتو، بلکه از سوی آمریکا صورت می‌گیرد. این مسئله نشانگر آنست که ناتو، به عنوان پیمان نظامی نیرومند کشورهای غربی در حال حاضر تا چه اندازه ناتوان شده است. واشنگتن تمام انتقادات و اعتراضات متحدان خود را در این باره نادیده گرفته است. اگر جهان غرب برآستی خواستار مقابله با کشورهای شروری نظیر کره شمالی و ایران است، باید پیرامون مسایل استراتژیک نظامی وحدت داشته باشد. بدین نحو سیستم دفاع موشکی آمریکا در لهستان از زوایای مختلفی اقدامی غیردوستانه است.»

در برابر سلطه جوئی روسیه

روزنامه اتریشی "زالتسبورگر ناخریشتن" استقرار سپر دفاع موشکی را اقدامی علیه سلطه جوئی روسیه به شمار آورده و در این باره می‌نویسد:

« واشنگتن تاکنون برای برنامه سیستم دفاع موشکی خود مصرانه این دلیل را مطرح می‌ساخته، که از این طریق آمریکا می‌بایست به دفاع از خود و اروپا در مقابل کشورهای شرور و غیرقابل کنترلی مانند ایران و کره شمالی مبادرت ورزد. اما در اصل می‌توان گمان برد که واشنگتن همچنین با بی‌اعتمادی هرچه بیشتری به تحولات روسیه می‌نگریسته است. روسیه کشوری با میانی استوار دمکراتیک نیست. قدرتمندان این کشور حاضر نیستند سیاست‌های خود را تابع رای مردم کنند و به کنترل پارلمان گردن گذارند. در بهترین حالت، روسیه کشوری با دمکراسی جهت دار است که رئیس‌جمهور سابق آن مقرر می‌کند که چه فردی باید به عنوان جانشین وی در کاخ کرملین انتخاب شود. واکنش شدید مسکو در برابر ماجراجویی گرجستان در اوستیای جنوبی، تاییدی بر این مطلب است که تا چه اندازه سیستم قدرت تحت رهبری ولادیمیر پوتین در آروزی سلطه مجدد بر سرزمین‌های پیرامون روسیه است.»

چرخش در تاریخ لهستان

روزنامه "گازتا ویبورژ" چاپ لهستان با اشاره به امضای قرارداد استقرار دفاع موشکی پیرامون ادغام هرچه بیشتر لهستان در جهان غرب می‌نویسد:

«امضای قرارداد سپر موشکی با امریکا سبب پیوند هر چه بیشتر لهستان با واشنگتن و دیگر کشورهای غربی خواهد شد. از زمان نشست سران ناتو در بخارست (آوریل ۲۰۰۸) تاکنون، هیچ‌یک از کشورهای عضو، مخالفتی با سپر دفاعی نداشته است. اما دیروز حادثه مهمی رخ داد. این حادثه به مثابه چرخشی در تاریخ لهستان به حساب می‌آید. زمانی که لهستان، در سال ۱۹۹۸ به عضویت ناتو درآمد، غرب برای پذیرش خاموش این مطلب از سوی روسیه، متقبل هزینه شد. این هزینه شامل ضمانت در این خصوص بود که امریکا در خاک اعضای جدید ناتو پایگاه و تاسیسات نظامی مستقر نسازد. در روز گذشته این مرحله به پایان رسید. لهستان گام دیگری به سوی امریکا برداشت و همزمان از روسیه فاصله بیشتری گرفت. پس از حوادث اخیر در گرجستان، روسیه به جهان نشان داد که خطری برای همسایگان خود به شمار می‌آید.»

#### خطر تنش‌های تازه

روزنامه آلمانی "اوست زی" درباره ایجاد تنش‌های جدید بین‌المللی به عنوان پیامد عقد قرارداد سپر موشکی در لهستان می‌نویسد:

«لهستان، بگونه‌ای میهن دوستانه، در زیر بال و پر امریکا جا خوش کرده است، این مسئله سبب ایجاد نگرانی می‌شود. عقد قرارداد و بیش از آن، تحقق عملی سپر دفاع موشکی، نه تنها سبب استقرار امنیت در سطح جهان نخواهد شد، بلکه به خطر ایجاد تنش‌های جدید خواهد افزود. نخست لهستان خود و اروپا را بدل به هدفی برای حملات احتمالی خواهد کرد. دوم اینکه بر خلاف منافع اروپا، لهستان بدل به بخشی از محاسبات استراتژیک در برنامه‌های دولت بوش خواهد شد. آنهم دولتی که با کژباوری آهینی به قدرت تسلیحات، تاکنون به اندازه کافی دست به خرابکاری زده است. سوم اینکه مسکو عقد قرارداد ورشو را، به ویژه در ارتباط با بحران تأسف بار قفقاز، به عنوان توهینی به خود تلقی خواهد کرد. بر طبق برخی گزارش‌ها، روسیه در صدد است که نیروی دریایی خود در دریای بالتیک را، دوباره به کلاهک‌های اتمی مجهز سازد. این به معنای خطر رقابت تسلیحاتی جدیدی در اروپا است. این رقابت تسلیحاتی نه تنها یک موفقیت نیست، بلکه باید آنرا یک فاجعه دانست.»

راديو دويچه وله

دکتر میر مهرداد میرسنجری

### اوستیای جنوبی و قفقاز، بستری مناسب برای هژمونی منطقه‌ای ایران

تشویق غرب به عضویت گرجستان و آذربایجان در ناتو و استقرار سپر موشکی در منطقه به همان نسبت که برای روسیه هشداردهنده است، برای ایران نیز تهدیدی جدی خواهد بود. در این میان، ایجاد پایگاه‌های نظامی در این دو کشور و خط لوله باکو - تفلیس - جیحان نیز سیاستی بوده که در راستای انزوای هرچه بیشتر ایران و روسیه به کار گرفته شده است.

۱۲:۲۴ - ۳۰ مرداد ۱۳۸۷

درگیری‌های چند روز گذشته در منطقه اوستیای جنوبی، بار دیگر منطقه قفقاز را به کانون توجه رسانه‌های جهان تبدیل کرد. حمله نظامی شبانه هشتم آگوست ۲۰۰۸ ارتش گرجستان به «تسخینوالی»، پایتخت اوستیای جنوبی و اشغال آن، واکنش شدید نظامی روسیه را در بر داشته و شعله‌ور شدن جنگ تمام‌عیار روسیه با گرجستان، قدرتهای منطقه و فرمانطقه‌ای را به موضعگیری و واکنش‌های متفاوتی برانگیخته است. در این میان، نگاهی به موقعیت ژئوپلیتیک اوستیای جنوبی و گرجستان و پتانسیل‌های مستقیم و غیر مستقیم تأثیرگذار بر منافع ملی ایران، از اهمیت بسزایی برخوردار است.

## موقعیت گرجستان در قفقاز

گرجستان با مساحت ۶۹,۵ هزار کیلومتر مربع و جمعیت بالغ بر ۴,۶۹۳,۰۰۰ نفر، یکی از سه کشور قفقاز است که از دیرباز تاریخ، همواره در قلمرو حکومت ایران قرار داشته است. این کشور از سیزده شهر تشکیل شده که مهمترین آنها «تفلیس» (پایتخت)، «باتومی» و «سوخومی» هستند. گرجستان از شمال با روسیه، از شرق با آذربایجان (اران و شروان) از جنوب با ارمنستان، از جنوب غرب با ترکیه و از غرب با دریای سیاه هم‌مرز است.

بخش شرقی گرجستان از هزاره‌های گذشته با نام «ایبریا» همواره بخشی از ایران و بخش غربی آن با نام «اگریس»، همواره صحنه درگیری‌های دو قدرت مهم آن روز، یعنی ایران و امپراتوری بیزانس بوده است. این منطقه بعدها در تاریخ بارها مورد تاخت و تاز قدرت‌های بیگانه از جمله عثمانی‌ها و روس‌ها قرار گرفت تا این‌که پیمان‌نامه ننگین «گلستان» در سال ۱۸۱۲ قرن‌ها پیوند ملت ایران با مردم قفقاز را از هم گسست.

پس از اشغال گرجستان توسط روسیه تزاری، همه سرزمین‌های ایرانی قفقاز با نام **preside sky** با سرزمین پارس‌ها شناخته می‌شد تا این‌که پس از انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷ و به ویژه از سال ۱۹۲۴ میلادی به بعد، نظام کمونیستی حاکم بر شوروی، تصمیم به ترسیم مرزهای جغرافیایی مناطق گوناگون شوروی بر پایه سیاست جداسازی قومی گرفت. بر این مبنا، در مناطق گوناگون، به ویژه آسیای میانه و قفقاز، ترکیب‌های گوناگون تنش‌زا بر پایه سیاست‌های نفوق سیاسی نظام کمونیستی شکل گرفت که از آن جمله می‌توان به الحاق مناطق تاجیک‌نشین و فارسی‌زبان سمرقند و بخارا به ازبکستان اشاره کرد.

در منطقه قفقاز هم سیاست مشابه، بسیاری از قومیت‌ها را در سال‌ها بعد درگیر منازعات قومی کرد که از آن جمله می‌توان به منطقه ارمنی «ناگورنو» قره باغ اشاره کرد که اران و شروان تاریخی (که به غلط جمهوری آذربایجان نامیده می‌شود) پیوست و از دیگر سو، منطقه نخجوان که میان ارمنستان و ایران واقع شده و مرز مشترکی با جمهوری آذربایجان ندارد، در قالب بخشی از جمهوری اران و شروان رسمیت یافت.

اقوام ساکن منطقه اوستیا و آلانیای قفقاز که در تاریخ از ریشه‌های ایرانی برخوردار بوده‌اند و هنوز هم به زبان «آسی» که بسیار نزدیک به زبان فارسی است، تکلم می‌کنند و خود را همواره وارث تمدن ایرانی می‌دانند، در نظام شوروی به دو بخش تقسیم شدند که بخش شمالی اوستیا در قالب فدراسیون روسیه و بخش جنوبی به عنوان بخشی از جمهوری سوسیالیستی گرجستان واقع شد.

پس از تغییر و تحولات سیاسی و فروپاشی نظام کمونیستی شوروی و استقلال جمهوری‌های پانزده‌گانه از جمله گرجستان تقسیم‌بندی منطقه‌ای نژادی گذشته، سبب برافروختن تنش‌های فروخته قومی نژادی شد که بر این اساس منطقه قفقاز درگیر جنگ‌های آذربایجان و ارمنستان بر سر قره‌باغ و نیز جنگ‌های آزادی‌خواهانه اوستیای جنوبی و آبخازیا و آجاریا با حکومت مرکزی گرجستان شد. در این میان، منطقه اوستیای جنوبی که تا سال ۱۹۹۱ به عنوان یک حکومت خودمختار در جمهوری گرجستان رسمیت داشت، پس از اعلام حکومت تفلیس مبنی بر لغو این خودمختاری در ۲۸ نوامبر ۱۹۹۱ اعلام استقلال کرد و از آن هنگام تاکنون اختیار این منطقه از دست گرجستان بیرون رفته و نیروهای صلح‌بان، روسیه مسئولیت حفظ آرامش و کنترل مرزهای اوستیای جنوبی را بر عهده داشته‌اند. بنا بر برآوردهای سال ۲۰۰۰، جمعیت اوستیای جنوبی، واقع در شمال گرجستان هفتاد هزار نفر بوده است که نیمی از مردم آن در پایتخت این منطقه با نام «تسخینوالی» زندگی می‌کنند.

روابط گرجستان با غرب و اسرائیل

حکومت کنونی حاکم بر گرجستان با حمایت کامل غرب و به ویژه آمریکا پدید آمده است، به گونه‌ای که از آغاز شکل‌گیری آن، روابط تنگاتنگ با غرب و اسرائیل به عنوان خط‌مشی اصلی سرلوحه تمام برنامه‌های این دولت قرار گرفته است. ارتباطات پنهان و آشکار دولت «ساکاشویلی»، رئیس‌جمهور گرجستان با اسرائیل و معاملات کلان دو طرفه، بارها در رسانه‌های بین‌المللی بازتاب داشته که به بخشی از آنها اشاره می‌شود.

بسیاری از رجال سیاسی گرجستان که بیشتر آنها به فصاحت بر زبان عبری مسلط هستند، ارتباطات مستحکمی با اسرائیل داشته‌اند که از آن جمله می‌توان به «دیوید کزرا شویلی»، وزیر جنگ و شخص دوم حکومت گرجستان اشاره کرد که از سال ۱۹۹۳ نزد مادر بزرگ خود در اسرائیل بوده و پس از تحصیل به گرجستان بازگشته و در شکل‌گیری حکومت کنونی گرجستان نقش مهمی داشته است.

وزیر دیگر گرجستان با نام «تیمور یعقوبو شیولی» نیز پیش از رسیدن به منصب وزارت در رژیم اسرائیل زندگی می‌کرد. این رژیم سرمایه‌گذاری‌های بزرگی نیز در گرجستان به انجام رسانده است که از آن جمله می‌توان به قرارداد سه میلیون دلاری شرکت نفتی «لابیدوف» رژیم اسرائیل برای توسعه مناطق نفتی گرجستان اشاره کرد. همچنین میلیاردی صهیونیستی با نام «ایال لوفر» نیز ۷۸ میلیون دلار برای توسعه پایتخت گرجستان هزینه کرده است. «افرایم عوز»، دیگر تاجر این رژیم نیز به عنوان سرمایه‌گذاری گرجی‌تبار، ساخت هزار واحد مسکونی را در تفلیس آغاز کرده و پنجاه میلیون دلار سرمایه شرکت سرمایه‌گذاری «شلغار» را از اسرائیل به گرجستان آورده است.

از سوی دیگر، حمایت‌های حکومت تفلیس از برنامه‌های ضدایرانی اسرائیل و آمریکا در منطقه با اعزام دو هزار سرباز به عراق برای یاری حکومت آمریکا در اشغال عراق شکل نوینی پیدا کرد، به گونه‌ای که گرجستان به سومین اشغالگر عراق پس از آمریکا و انگلیس تبدیل شده است.

چراغ سبز گرجستان برای گسترش «ناتو» به قفقاز سبب توجه ویژه آمریکا به بهره‌گیری از امکانات گرجستان برای منافع ملی خود شده که بر همین اساس، هم‌اکنون ۱۵۰ نظامی آمریکایی مستقر در گرجستان آموزش سربازان گرجی و تجهیز ارتش آن را بر عهده دارند.

همین اعتمادسازی دوسویه موجب گذر پروژه انتقال نفت و گاز دریای خزر به غرب با عنوان خط باکو - جیحان از خاک گرجستان شده است تا منافع غرب برای مقابله با ایران و روسیه برآورده شود.

سخن آخر آن‌که، اوضاع منطقه قفقاز به گونه‌ای است که منافع ملی کشورهای منطقه به ویژه ایران و روسیه مستقیم را تحت تأثیر قرار خواهد داد، چراکه نزدیکی هرچه بیشتر کشورهای چون گرجستان و آذربایجان (همان اران و شروان تاریخی) با غرب، جای پای قدرت‌های بیگانه را در منطقه تقویت خواهد کرد. تشویق غرب به عضویت گرجستان و آذربایجان در ناتو و استقرار سپر موشکی در منطقه به همان نسبت که برای روسیه هشداردهنده است، برای ایران نیز تهدیدی جدی خواهد بود. در این میان، ایجاد پایگاه‌های نظامی در این دو کشور و خط لوله باکو - تفلیس - جیحان نیز سیاستی بوده که در راستای انزوای هرچه بیشتر ایران و روسیه به کار گرفته شده است. بنابراین، به رغم کند شدن روند ایجاد سپر موشکی غرب در منطقه با به‌کارگیری قدرت نظامی روسیه در اوستیای جنوبی، اعمال هژمونی قدرت منطقه‌ای فعال از سوی ایران نیز ابزار مناسبی است که با حمایت‌های معنوی و مادی از هم‌تباران ایرانی ما در منطقه می‌تواند به کار گرفته شود. توجه به این‌که ریشه‌های هویتی مردم اوستیای شمالی و جنوبی و آلبانی در گرجستان و تالش‌های منطقه تالشان جمهوری آذربایجان، ایرانی است و آنها به داشتن هویت فرهنگی ایرانی و زبان پارسی افتخار می‌کنند، بستری مناسب است که متأسفانه تاکنون توجه کافی به آن نشده است؛ بنابراین شایسته است که حمایت و پشتیبانی همه‌جانبه فرهنگی و مادی از این اقوام و حتی کردهای ایرانی‌تبار عراق از سوی ایران به طور جدی شود، چراکه دوام و بقای قدرتمند این اقوام در منطقه، علاوه بر تقویت هژمونی منطقه‌ای ایران و تعادل قدرت با روسیه، می‌تواند به عنوان ابزاری برای پیشگیری از هرگونه تهدید نسبت به امنیت ملی و تمامیت ارضی ایران در موقع مقتضی به کار آید.

بی بی سی - جمعه ۲۲ اوت ۲۰۰۸ - ۰۱ شهریور ۱۳۸۷

## بن بست شورای امنیت در حل مسئله گرجستان

شورای امنیت سازمان ملل متحد درباره وضعیت گرجستان به بن بست رسیده است.

آمریکا می‌گوید آماده است که پیش نویس قطعنامه روسیه که قصد عملی کردن طرح شش ماده ای آنتش بس را دارد وتو کند و این درحالی است که روسیه هم بار دیگر مخالفتش را با متن پیش نویسی که فرانسه تهیه کرده و در آن بر تمامیت ارضی گرجستان تاکید شده، اعلام کرده است.

مقامهای روسیه می‌گویند که به زودی بیشتر سربازان این کشور از گرجستان خارج خواهد شد اما پانصد نفر از آنها در "منطقه حائل" در اطراف اوستیای جنوبی باقی خواهند ماند.

میخائیل ساکاشویلی، رئیس جمهور گرجستان به بی بی سی گفته است که روسها همچنان در بخشهایی از گرجستان مواضع خود را تقویت می کنند و بار دیگر آنها را متهم کرد که سعی دارند اقتصاد گرجستان را فلج کنند.

روسیه در پی تلاش برای بازپس گیری اوستیای جنوبی در روز هفتم اوت، وارد جنگی چهار روزه با گرجستان شد.

دولت روسیه از زمان جدا شدن اوستیای جنوبی در دهه ۹۰ میلادی تا به حال نیروهای حافظ صلحش را در این منطقه نگه داشته است.

لورا ترولیان، خبرنگار بی بی سی در نیویورک می گوید که هیچ نشانی از توافق بر سر قطعنامه های پیشنهادی روسیه و کشورهای اروپای غربی و آمریکا نیست.

دو روز پیش فرانسه قطعنامه ای را پیشنهاد داد که در آن از روسیه خواسته شده بود فوراً از گرجستان خارج شود و خواسته بود که تمامیت ارضی گرجستان دوباره تایید شود.

روسیه با این قطعنامه مخالفت کرد چون عقیده داشت که ابخاز و اوستیای جنوبی دوباره طلب استقلال خواهند کرد.

دولت روسیه قطعنامه پیشنهادی خود را تقدیم شورای امنیت کرد که در آن طرح شش ماده ای آتش بس با میانجیگری فرانسه و توافق دولتهای گرجستان و روسیه اجرا می شد. اما آمریکا و متحدانش تاکید دارند که روسیه به طرح آتش بس اعتنایی ندارد چون با سرعت کافی در حال خارج کردن نیروهایش از گرجستان نیست.

الخاندرو وولف، سفیر آمریکا در سازمان ملل متحد می گوید که در چنین شرایطی انتظار این را داشته که آمریکا با قطعنامه پیشنهادی روسیه مخالفت کند.

چهارشنبه ۳۰ مرداد ۱۳۸۷

## شطرنج ژنوپلیتیکی: سابقه یک جنگ کوچک در قفقاز

نویسنده : ایمانول والرشتاین  
مترجم : آرزو دیلمقانی

یادداشتی از ایمانول والرشتاین برای دیپلماسی ایرانی

این ماه جهان شاهد یک جنگ کوچک در منطقه قفقاز است و این جنگ اگر به همین منوال ادامه پیدا کند، می تواند بحران های بزرگ تری را رقم بزند.

ژنوپلیتیک یک بازی بزرگ دو نفره شطرنج است که در آن بازیکنان در پی به دست آوردن جایگاه بهتری هستند. در این بازی ها، نکته مهم این است که قوانین بازی را بدانیم و بتوانیم حرکاتمان را مدیریت کنیم. در این بازی اسب ها اجازه ندارند که به صورت اریب حرکت کنند.

از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۸۹، اصلی ترین بازی شطرنج در جهان بین ایالات متحده آمریکا و اتحادیه جماهیر شوروی در جریان بود. این بازی جنگ سرد نام داشت و قوانین این بازی را مجازا یالتا می نامیدند. مهم ترین قانون این بازی به خطی مربوط می شد که اروپا را به دو بخش تحت نفوذ تقسیم می کرد. این خط توسط وینستون چرچیل پرده آهنی نام گرفته بود و از استتین در لهستان تا تریست در ساحل آدریاتیک کشیده می شد. این قانون بازی بود و هیچ اهمیتی نداشت که سربازان این بازی شطرنج چه آشوبی را در اروپا به پا می کردند، مهم این بود که جنگی واقعی بین ایالات متحده آمریکا و اتحادیه جماهیر شوروی درنگیرد. و در پایان هر آشوب به پا شده، تکه ها باید به جای اولشان باز می گشتند. این قانون تا پایان کمونیزم در جهان در سال ۱۹۸۹ ادامه داشت که به طور خاص با فروپاشی دیوار برلین به پایان رسید.

همانطور که همه شاهد بودند قوانین یالتا در سال ۱۹۸۹ فسخ شد و بازی میان ایالات متحده آمریکا و روسیه در سال ۱۹۹۱ به طور بنیادی تغییر کرد. عمده ترین مشکلی که از آن دوره به جای مانده است این است که ایالات متحده آمریکا درک درستی از قوانین جدید بازی نداشت. و خود را تنها ابرقدرت جهان می نامید. در قوانین شطرنج این بدان معناست که آمریکا آزاد است تا هرطور که تمایل دارد در صفحه شطرنج حرکت کند و به طور خاص سربازان شوروی سابق را به فضای تحت نفوذ خود منتقل کند. این نوع بازی در دوران کلینتون رواج داشت و در دوران جورج بوش رونق بیشتری به خود گرفته است.

این روش یک مشکل اساسی با خود به همراه دارد و آن این است که امریکا تنها ابرقدرت دنیا نیست و حتی نمی توان نام ابرقدرت را بر روی آن گذاشت. پایان جنگ سرد به این معنا است که امریکا از پوستان یکی از دو ابرقدرت جهان خارج شده است و در حال حاضر تنها یک کشور قدرتمند است. امروزه کشورهای بزرگی وجود دارند که می توانند بدون حضور دو ابرقدرت بزرگ سابق جهان شطرنج بازی کنند و در واقع چنین نیز می کنند.

دو تصمیم ژئوپلیتیک مهم در دوران ریاست جمهوری بیل کلینتون اتخاذ شد. اول اینکه ایالات متحده امریکا تلاش فراوانی کرد تا بتواند کشورهای شوروی سابق را به عضویت ناتو در آورد. این کشورها خودشان مشتاق بودند که به عضویت ناتو درآیند، هر چند که کشورهای مهم اروپایی مانند فرانسه و آلمان با احتیاط در این راه قدم بر می داشتند. فرانسه و آلمان این ترند امریکا را اقدامی در جهت محدود کردن آزادی های ژئوپلیتیکی می دانستند که پس از فروپاشی شوروی نصیبشان شده بود.

دومین تصمیم مهم امریکا داشتن نقشی مهم و فعال در مرزبندی جدید جمهوری فدرال یوگوسلاوی است. این نقش فعال امریکا به اعمال تحریم ها و تقویت نیروها و عملا تجزیه کوزوو از صربستان انجامید. روسیه، حتی در دوران یلتسین از این اقدامات امریکا خشنود نبود. هرچند بی نظمی های اقتصادی و سیاسی روسیه در دوران یلتسین در حدی بود که وی تنها می توانست اظهار ناراحتی کند.

به قدرت رسیدن جورج بوش و ولادیمیر پوتین تقریبا هم زمان بود. جورج بوش تصمیم گرفت تا تاکتیک های تنها ابرقدرت را که همان تغییر مهره ها بود، بیش از دوران کلینتون به اجرا در آورد. در اولین اقدام در سال ۲۰۰۱، جورج بوش از پیمان ضد موشک های بالستیک عقب نشینی کرد و پس از آن اعلام کرد که امریکا دو پیمانی را در دوران بیل کلینتون به امضا رسیده است را تایید نخواهد کرد. این دو پیمان یکی معاهده منع آزمایش جامع سال ۱۹۹۶ و دیگری تغییرات در پیمان سانت دو بود. سپس بوش اعلام کرد که امریکا از سیستم دفاعی ملی خود پیروی خواهد کرد.

بوش در سال ۲۰۰۳ به عراق حمله کرد. ایالات متحده امریکا، حق خود می دانست پایگاه های خود را در کشورهای شوروی سابق مستقر کند. در کنار اینها، امریکا برای ناپدید کردن روسیه، خط لوله جدیدی را برای آسیای مرکزی و قفقاز احداث کرد. در آخر نیز با لهستان و جمهوری چک قراردادی را امضا کرد تا بتواند سپر دفاع موشکی خود را برای مقابله با موشک های ایران در این کشورها مستقر کند. این درحالی است که روسیه خود را هدف این سپر دفاع موشکی می داند.

**پوتین تصمیم گرفت تا عملکردی موثرتر از یلتسین داشته باشد. به عنوان بازیگری محتاط و دوراندیش تصمیم گرفت تا در اولین اقدام پایگاه های خود را در روسیه قدرت بخشد و برای این کار نفوذ و قدرت خود را به طور موثری تقویت کرد و ارتش روسیه را مجددا احیا کرد. در این مرحله، معادلات اقتصادی جهان دچار دگرگونی شد و ناگهان روسیه به یک قدرت با نفوذ نه تنها در تولید نفت بلکه در تولید گاز طبیعی به عنوان یکی از عمده ترین مایحتاج کشورهای اروپایی تبدیل شد.**

پوتین بازی خود را آغاز کرد. معاهدات جدیدی را با چین امضا کرد و روابط خود را با ایران تقویت کرد و امریکا را از پایگاه های خود در آسیای مرکزی بیرون راند و دو گام مهم اساسی در خصوص دو منطقه اکرین و گرجستان که انتظار می رفت در آینده به ناتو بپیوندند بر داشت.

فروپاشی شوروی سابق منجر به اقدامات جدایی طلبانه قومی در بسیاری از جمهوری های سابق شوروی از جمله گرجستان شده بود. وقتی در سال ۱۹۹۰، گرجستان خواست تا به خودمختاری بخش غیر گرجی خود پایان دهد، آنها خود اعلام استقلال کردند که این اعلام استقلال تنها از طرف روسیه مورد پذیرش قرار گرفت.

دو محرک این جنگ کوچک جدید را رقم زده است. در ماه فوریه، کوزوو اعلام استقلال کرد. این اقدام کوزوو توسط امریکا و بسیاری از کشورهای اروپای غربی حمایت شد و مورد تایید قرار گرفت. روسیه در آن زمان هشدار داده بود که این اقدام می تواند به عنوان محرکی برای کشورهای تازه استقلال یافته باشد. در گرجستان، روسیه برای اولین بار به سرعت وارد صحنه شد تا در پاسخ به استقلال کوزوو به طور قانونی استقلال جنوب اوستیا را به رسمیت بشناسد.

در آوریل سال جاری، امریکا در دیدار اعضای ناتو پیشنهاد عضویت گرجستان و اوکراین را مطرح کرد که با مخالفت آلمان، فرانسه و بریتانیا مواجه شد، چراکه آنها معتقدند که این اقدام می تواند روسیه را خشمگین کند. میخائیل ساکاشویلی، رییس جمهور نئو لیبرال و امریکایی گرجستان افسرده شده است. او شاهد از بین رفتن نفوذ خود در جنوب اوستیا است. بنابراین زمان مناسبی را برای حمله به جنوب اوستیا برگزید. (پوتین سرگرم بازی های المپیک بود و مددوف در تعطیلات به سر می برد). مشخص است که ارتش کوچک جنوب اوستیا به طور کامل از هم پاشید. ساکاشویلی فکر می کرد که برخلاف میل امریکا ( و البته آلمان و فرانسه) کاری را انجام داده است.



در عوض وی به سرعت با پاسخ نظامی روسیه مواجه شد و آنچه از طرف جورج بوش نصیب وی شد فقط شعار بود. پس از این ماجراها جورج بوش چه کاری می توانست بکند؟ امریکا یک ابرقدرت نبود. نیروهای امریکایی در دو جنگ در خاورمیانه بازنده میدان هستند و از همه مهم تر اینکه امریکا به روسیه نیازمند است بیش از آنچه روسیه به امریکا نیازمند باشد. سرگی لاورف، وزیر امور خارجه روسیه، در مقاله خود در نشریه فایننشیل تایمز نوشت که روسیه یکی از شرکای غرب در خاورمیانه، ایران و کره شمالی است.

برای کشورهای اروپای غربی، روسیه کنترل منابع گازی آنها را در اختیار دارد. بنابراین اینکه سارکوزی، رییس جمهور فرانسه بین روسیه و گرجستان پا در میانی کند نه، کاندلیزا رایس، وزیر امور خارجه امریکا موضوعی نیست که از سر تصادف اتفاق افتاده باشد. آتش بس موقت بین روسیه و گرجستان دو امتیاز را از گرجستان صلب کرد. یکی اینکه گرجستان مکلف شد تا هیچ وقت از نیروهای خود در جنوب اوستیا استفاده نکند و دوم اینکه در این قرارداد هیچ صحبتی از قلمرو گرجستان به میان نیامده است.

بنابراین، روسیه از گذشته قدرتمند تر در صحنه ظاهر شده است. ساکاشویلی تمام آنچه را که داشت در شرط بندی باخت و در حال حاضر از نظر ژئوپلیتیکی ورشکسته است. و در آخر گرجستان به عنوان یکی از هم پیمانان امریکا در جنگ عراق، تمام ۲ هزار نیروی خود را از خاک عراق خارج کرد. نیروهای گرجستان نقش مهمی را در مناطق شیعه عراق داشتند که اکنون باید توسط نیروهای امریکایی پر شود.

اگر کسی می خواهد شطرنج ژئوپلیتیکی بازی کند باید قوانین بازی را به خوبی بداند یا ماهرانه از بازی بیرون رانده می شود.

منبع: دیپلماسی ایرانی

چهارشنبه ۳۰ مرداد ۱۳۸۷ | Wednesday 20 ,

## نبردی برای غرب

مترجم : حسن بنانج



مقاله ای از میخائیل ساآکاشویلی، رئیس جمهور گرجستان در مورد درگیری اخیر این کشور و روسیه که در روزنامه وال استریت ژورنال به چاپ رسید. لازم به ذکر است که این مطلب پیش از آغاز آتش بس اخیر میان دو طرف نگاشته شده است.

در حالی می نویسم که روسیه با کشورم وارد جنگ شده است.

روز جمعه هزاران تانک روسی از مرز گذر کرده و وارد گرجستان شدند. جنگنده های روسی فرودگاه ها، پایگاه ها، بنادر و مراکز خرید عمومی در گرجستان را مورد هدف قرار دادند. بسیاری کشته و زخمی شدند. این جنگ که یادآوری تهاجم به افغانستان در سال ۱۹۷۹ و حمله ۱۹۶۸ به پراگ است، تهدید کننده ثبات و نظام امنیت بین الملل است.

چرا جنگ؟ این سوالی است که مردم کشور من از خودشان می پرسند. گرجستان نه تنها آغازگر این جنگ نبوده است، بلکه اختیاری هم در مورد آن نداشته است.

کرمین این جنگ را اوایل سال جاری طراحی کرد. روسیه تلاش کرد تا با ضمیمه کردن آبخازیا، یک از سرزمین جدایی طلب به خاک خود، گرجستان را تحریک کند. وقتی ما مقاومت کردیم، مسکو جنگ را به اوستیای جنوبی کشاند.

این جنگ به ظاهر به منظور حل نزاع جدایی طلبی آغاز شده است، اما واقعیت این است که این جنگی است بر سر استقلال و آینده گرجستان و از همه مهمتر نبردی است برای اروپایی که فرزندانمان در آن زندگی می کنند. بگذارید صریح تر بگویم: این نزاعی است که برای دستیابی به آینده آزاد در اروپا در گرفته است.



هیچ یک از کشورهای عضو اتحادیه جماهیر شوروی سابق به اندازه گرجستان در جهت تحکیم دموکراسی، مبارزه با فساد و ایجاد یک سیاست خارجی مستقل پیشرفت نداشته اند. این درست همان چیزی است که روسیه با آن به مبارزه برخاسته است.

این جنگی است بر سر ارزش های بین آتلانتیکی برای آزادی و دموکراسی. این نبردی است بر سر حقوق کشورهای کوچک برای زندگی آزادانه و تعیین آینده خودشان. این نزاعی است در راستای تلاش های قدرت بزرگ برای افزایش نفوذ در قرن بیستم به منظور مقابله با مسیر یکپارچگی و اتحاد که اتحادیه اروپا آن را تعریف کرده است. گرجستان انتخاب خود را کرد.

هنگامی که دولت من در سال ۲۰۰۴ پس از یک انقلاب آرام به قدرت رسید، ما کشوری را در اختیار گرفتیم که دو نزاع حل نشده که ریشه هایش به دهه ۹۰ بازمی گردد، آن را به زانو درآورده و بیمار کرده بود. من متعهد شدم که این کشور را باردیگر یکپارچه سازم - نه به زور اسلحه، بلکه با تبدیل کردن گرجستان به قطب جاذبه و پیشرفت. من می خواستم مردمی که در مناطق مورد نزاع زندگی می کنند، در کشوری دموکراتیک و روبه شکوفایی که می توانست گرجستان باشد - و شده است -، سهیم شوند.

ما همچنین تلاش کردیم که روابط خوبی را با روسیه که همیشه همسایه گرجستان است و خواهد بود، داشته باشیم. ما خواستار روابطی عمیق مبتنی بر احترام متقابل برای استقلال و منافع مان بودیم. در حالی که به منافع روسیه احترام می گذاشتیم، اما بر این نکته نیز تاکید داشتیم که استقلال و حاکمیت ما غیر قابل مذاکره است. به همین دلیل احساس می کنیم که قادر هستیم به منظور حضور عمیق تر در موسسات اقتصادی و امنیتی اروپا به طور آزادانه حاکمیت مستقل را که از سوی ملت گرجستان انتخاب شده است، پیگیری کنیم.

ما به شدت تلاش کرده ایم که به طور مسالمت آمیزی آبخازیا و اوستیای جنوبی را بر اساس شرایطی که حقوق و منافع ساکنین این سرزمین ها را به طور کامل به رسمیت بشناسد، به جرگه گرجستان بازگردانیم. ما سال ها گفت و گوی مستقیم با رهبران آبخازیا و اوستیای جنوبی را پیشنهاد دادیم تا بتوانیم از طریق آن در مورد طرحمان برای اعطای خودمختاری احتمالی در درون مرزهای بین المللی گرجستان به آنان بحث و گفت و گو کنیم.

اما روسیه که به طور موثر کنترل جدائی طلبان را در اختیار دارد، با سیاست انضمام سریع این سرزمین ها به خاک خود، به تلاش های ما پاسخ داد. در حالی که ما با تاکید بر رویکرد آینده مشترک خود از ساکنین آبخازیا و اوستیای جنوبی درخواست همیاری کردیم، مسکو به طور گسترده ای کنترل رژیم های جدائی طلب را در اختیار گرفت. کرملین حتی مقاماتی امنیتی از روسیه را برای حکومت و اعمال کنترل های نظامی بر دولت های جدائی طلب انتخاب کرد.

در هر شرایطی دخالت روسیه در امور داخلی ما نقض فاحش هنجارهای بین المللی است. اما اقدامات ناقض روسیه زمانی فاحش تر است که بدانیم این کشور از دهه ۹۰ متعهد به صلح بانی و میانجیگری در آبخازیا و اوستیای جنوبی شده است. روسیه به جای آن که به عنوان یک میانجیگر صادق عمل کند، یکی از طرف های مستقیم در این نزاع ها شد و اکنون آشکارا یک مهاجم است.

پس از آنکه اروپا قوانین خود را تا سواحل دریای سیاه گسترش داد، دولت من از کشورهای جامعه غربی - به ویژه دولت های و موسسات اروپایی - خواست تا نقشی اساسی را در حل نزاع جدائی طلبان ایفا کنند. کلید تمام راه حل ها جایگزینی ساختارهای مذاکره ای و صلح بانی بود که طی دو دهه اخیر ایجاد و با تلاش بین المللی روسیه حکفرما شده اند.

اما اروپا فاصله خود را حفظ کرد و همان طور که پیش بینی می شد، روسیه تحریکات خود را افزایش داد. دوستانمان در اروپا توصیه به خویشتن داری کردند و گفتند که دیپلماسی راه خود را پیدا خواهد کرد. ما به نصایح آنها گوش دادیم و قدمی دیگر به جلو برداشتیم و همچنان ایده های جدید برای حل نزاع ها را مطرح کردیم. درست همین بهار گذشته بود که به رهبران جدائی طلب، خودمختاری بیشتر، تضمین های بین المللی و حضور گسترده تر در دولت گرجستان را پیشنهاد دادیم.

پیشنهاد صلح ما رد شد. مسکو در صدد جنگ برآمد. در ماه آوریل روسیه با مناطق آبخازیا و اوستیای جنوبی به گونه ای رفتار کرد که گویی این مناطق استان هایی از روسیه هستند. بار دیگر دوستان ما در غرب از ما خواستند که خویشتن داری نشان دهیم، ما هم چنین کردیم. اما روسیه با پوشش صلح طلبی نیروها و توپخانه سنگین خود را به آبخازیا اعزام کرد. تحریک های مستمر به گونه ای طراحی شده بود که گرجستان را به جنگ وادارند.

هنگامی که این طرح به شکست انجامید، کرملین توجه خود را به سوی اوستیای جنوبی معطوف کرد و به نمایندگان خود در آنجا دستور داد که حملات علیه مواضع گرجستان را افزایش دهند. دولت من با آتش بسی یک جانبه به این تحرکات پاسخ داد. جداتی طلبان حمله به غیرنظامیان را آغاز کردند و تانک های روسی هم از مرز گرجستان گذشتند. ما چاره ای جز دفاع از مردم کشورمان و احیای نظم در چارچوب قانون اساسی گرجستان نداشتیم. مسکو این اقدام را بهانه ای قرارداد و به طور همه جانبه تهاجم نظامی به گرجستان را آغاز کرد.

طی روزهای گذشته روسیه یک تهاجم همه جانبه علیه گرجستان را آغاز کرده است. تانک های این کشور به اوستیای جنوبی سرازیر شدند و جنگنده هایش نه تنها پایگاه های نظامی که زیرساخت های اقتصادی و غیرنظامی را بمباران کردند.

چه چیزی به واسطه این جنگ به مخاطره افتاده است؟

کاملاً روشن است، آینده کشور در خطر است. مردم گرجستان با صدایی بلند و صریح گفته اند که آینده خود را در اروپا می بینند. گرجستان یک کشور باستانی در اروپا است و از نظر فرهنگ، تمدن و ارزش ها با اروپا گره خورده است. در رفاندوم ژانویه سه تن از هر چهار گرجی خواستار حمایت از عضویت گرجستان در ناتو شدند. این اهداف قابل مذاکره نیستند. اکنون ما در حال پرداخت هزینه برای بلند پروازی های دموکراتیک خود هستیم.

دوم، آینده روسیه در خطر است. آیا روسیه ای که علیه همسایگانش وارد جنگ می شود، می تواند شریکی برای اروپا باشد؟ این کاملاً روشن است که رهبری کنونی روسیه در تلاش برای احیای شکل جدیدی از فشارهای همه جانبه به منظور کنترل بر تمام مناطقی است که زمانی در حاکمیت مسکو بود.

اگر گرجستان سقوط کند، این به معنای سقوط غرب در تمام سرزمین های اتحاد جماهیر شوروی سابق و فراتر از آن است. رهبران در کشورهای همسایه – در اوکراین، در کشورهای دیگر قفقاز و یا آسیای مرکزی – باید بدانند که بی شک هزینه آزادی و استقلال بسیار سنگین است.

## "ریاکاری واشنگتن" به قلم نماینده روسیه در ناتو

۳۰/۰۵/۱۳۸۷

"دولت آمریکا تلاش می کند تا در مناقشه ای اخیر قفقاز و به خاطر استفاده از ابزار نظامی گسترده علیه نیروهای گرجستان، بر چسب يك "دولت غیر دموکرات" را به مسکو بزند اما به نظر می رسد این موضوع را فراموش کرده اند که خود ناقض اصلی اصول دموکراتیک در دنیا هستند."

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) دیمیتری روگژین، نماینده روسیه در ناتو در مقاله ای در روزنامه ایترنشنال هرالڈ تریبیون با عنوان "ریاکاری واشنگتن" نوشته است: "به نظر می رسد که دوستان آمریکایی ما در يك آن کر و کور شده اند! از میخائیل ساکاشویلی، رئیس جمهور گرجستان به عنوان يك ملی گرا افراطی یاد شده که هیچ وقت اهداف خصمانه و تهاجمی اش علیه مردم اوستیای جنوبی و آبخازیا بر کسی پوشیده نیست. امیدوار هستیم دولت آمریکا که در مقابل ساکاشویلی بسیار مهربان بوده است توانایی نجات دادن او را نیز داشته باشد. اخیراً در منطقه ای قفقاز يك اتفاق وحشتناک رخ داد. سگ صاحبش را گاز گرفت! ساکاشویلی به نیروهایش دستور داد که تسخینوالی را تصرف کنند و مخالفان تفلیس در این منطقه را از صفحه روزگار محو کنند."

نیروی هوایی گرجستان و خمپاره های این کشور شبانه خانه های تسخینوالی را بمباران کردند و بیش از ۱۵۰۰ غیر نظامی در ساعات اولیه این حمله کشته شدند. نیروهای ویژه گرجستان نیز ۱۰ صلح بان روسی را که به هیچ وجه انتظار این حمله را نداشتند، کشتند. کرملین تلاش کرد تا به ساکاشویلی دست پیدا کند اما وی پنهان شده بود. سرانجام صبر روسیه لبریز شد و نیروهای ارتش برای کمک به مردم تسخینوالی و انسان های بی دفاع به این شهر عزیمت کردند."

نماینده روسیه در ناتو نوشته است: "در پاسخ به انتقادهای جورج بوش، رئیس جمهور آمریکا نسبت به استفاده بیش از حد از اهرم نظامی توسط روسیه باید بگویم ما در این زمینه بی جهت از اهرم نظامی استفاده نکرده ایم. آیا در نظر آمریکا کشته

شدن صلح‌بانان و غیر نظامیان توسط نیروهای گرجستان يك اقدام عادي و استفاده از اهرم نظامي توسط ما يك اقدام غير انساني محسوب مي‌شود؟!!

آيا واشنگتن به اين موضوع اعتقاد ندارد كه براي دفاع از جان غير نظاميان دفاع از خود و تهاجم بيگانه عليه شهروندان كشور بايد پاسخ كوبيده به طرف مقابل داد؟ اگر دشمنان آمريكا نيز به اين كشور حمله كنند آيا آمريكا از ابزار نظامي سود نخواهد برد؟ مگر حوادث ۱۱ سپتامبر گواه اين موضوع نبوده است كه به علت حادثه‌اي كه هنوز مشخص نيست عامل اصلي‌اش چه فرد يا گروه‌ي است هزاران هزار انسان بي‌گناه در عراق و افغانستان كشته شدند؟

تفليس باعث بروز فاجعه انساني در اوستيائي جنوبي شده است و بايد به خاطر اين موضوع تنبيه شود. پاسخ نيروهاي روسيه به نيروهاي گرجي در راستاي قوانين بين‌المللي و توجيه‌پذير بوده است. ما از تهاجم نيروهاي گرجستان به اوستيائي جنوبي و حمله به صلح‌بانان و يكسري از شهروندان روسي در اين منطقه به عنوان تهديد جدي عليه تماميت ارضي‌مان ياد كرديم، بدين جهت فقط در راستاي از بين بردن اين تهديد گام برداشتيم. به عنوان دفاع از جان شهروندان‌مان در خارج از روسيه نيز بر اساس اصول بين‌المللي اقدام کرده‌ايم. طرف‌هاي نظير آمريكا، انگليس، فرانسه و اسراییل بارها براي دفاع از شهروندان‌شان در خارج از مرزهاي خود از نيروي نظامي استفاده کرده‌اند.

اگر پاسخ نظامي ما به نيروهاي گرجي يك تهاجم غير انساني است سپس دخالت نظامي آمريكا در يوگسلاوي سابق، عراق و افغانستان را چه مي‌توان ناميد؟

جنگ عراق و افغانستان خود نمونه‌هاي بارز از سياست‌هاي جنگ طلبانه‌ي كاخ سفيد است.

اين در حالي است كه واشنگتن دفاع از شهروندان خود را بهانه کرده و به عراق و افغانستان حمله کرده است، چون مدعي است افراطيون و شبه نظامياني كه آمريكا را تهديد مي‌كنند در اين دو كشور هستند.

واشنگتن به هيچ وجه به كشته شدن هزاران هزار غير نظامي بي‌گناه در عراق و افغانستان اشاره‌ي نمي‌كند اما به پاسخ كوبيده روس‌ها به نيروهاي گرجي بر چسب "اقدام خصمانه" زده است."

در انتهاي اين مقاله آمده است: "آمريكا و ناتو به اين موضوع اعتقاد دارند كه هر كجا كه صلاح بدانند از ابزار نظامي استفاده خواهند كرد، حال اگر كشورهاي مخالف‌شان از اهرم نظامي استفاده كنند، اين اقدام غيرانساني و خصمانه تلقي مي‌شود.

اگر اين موضوع را نمي‌توان ريكاري از طرف آمريكا تلقي كرد پس چه بايد ناميد؟"

انتهاي پيام

**ناتو: روابط ما با روسيه عادي نخواهد بود**  
**مدودف: نيروها را قبل از جمعه از گرجستان خارج مي‌كنيم**  
**- فرانسه پيش‌نويس قطعنامه‌اي را به شوراي امنيت داد**

۳۰/۰۵/۱۳۸۷

دبيركل ناتو در نشست اضطراري اين سازمان از روسيه انتقاد كردخبرگزارى دانشجويان ايران - تهران  
سرويس: بين‌الملل - منطقه‌يي

درپي برگزاري نشست اضطراري ناتو و متهم شدن روسيه به عدم پايبندی به طرح صلح اخير در قفقاز، رييس جمهور فدراسيون روسيه در اقدامي جديد تعهد كرد تقريباً تمام نيروهاي روسي را پيش از پايان اين هفته (پيش از روز جمعه - ۱ شهریور) از خاک گرجستان خارج كند.

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) به نقل از خبرگزاری فرانسه، در زمانی که روابط ناتو - روسیه در سال‌های اخیر به پایین‌ترین سطح خود رسیده است، فرانسه نیز در شورای امنیت سازمان ملل متحد پیش‌نویس قطعنامه‌ای را تحویل این شورا داد که در آن خواستار انجام کامل تعهدات آتش‌بس گرجستان و روسیه از جمله خروج کامل نیروهای روسی شده است. این در حالی است که روسیه اعلام کرد این قطعنامه قابل پذیرش نیست.

**دمیتری مدودف رییس‌جمهور فدراسیون روسیه، در گفت‌وگویی تلفنی با نیکولا سارکوزی رییس‌جمهور فرانسه و رییس‌کنونی (این دوره‌ی) اتحادیه اروپا، وعده داد تقریباً ۵۰۰ نیروی روسی در روزهای پنجشنبه و جمعه از این جمهوری پیشین اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی بیرون کشیده شوند.**

**در همین حال، یاپ دو هوپ شفر دبیر کل ناتو، در نشست اضطراری وزیران امور خارجه‌ی این پیمان، روسیه را به عدم احترام به طرح صلحی که از هر دو طرف می‌خواهد تا نیروهای خود را به مواضعی بازگردانند که پیش از تهاجم اولیه‌ی گرجستان در اختیار داشتند، متهم کرد.**

**دبیر کل ناتو گفت: ولی این مورد اجرا نمی‌شود.**

کاندولیزا رایس، وزیر امور خارجه آمریکا نیز که در این نشست حضور داشت، عنوان کرد که روسیه کاملاً مقصر انزوای دیپلماتیک روز افزون خود در غرب است.

رایس در مصاحبه‌ای با شبکه سی.بی.اس نیوز آمریکا گفت: روسیه در این درگیری بیشتر و بیش‌تر مطرود می‌شود.

وزیر امور خارجه آمریکا اظهار کرد: مسکو با حمله به همسایگان کوچک‌تر خود، بمباران زیرساخت‌های غیر نظامی و با ورود به روستاها و به بار آوردن مصیبت و تخریب بی‌دلیل زیرساخت‌های گرجستان، خود را منزوی می‌کند.

**با وجود این، تنش میان روسیه و سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) پس از آنکه روسیه کشتی‌های نیروی دریایی خود را از یک مانور مشترک با این سازمان بیرون کشید، بالا گرفت و در آن سو این پیمان اعلام کرد که روابط با روسیه تا زمانی که مسکو به وعده‌های خود احترام نگذارد، یک رابطه‌ی عادی و معمولی نخواهد بود.**

**سپس سرگئی لاوروف وزیر امور خارجه‌ی روسیه، با اعلام این که اعلامیه‌ی به تصویب رسیده در نشست ناتو غیر محسوس، بی‌هدف و جانبدارانه است، واکنش خود را به اقدام این سازمان نشان داد.**

**لاوروف، ناتو را به تلاش برای نجات آن چه که وی رژیم مجرم میخائیل ساکاشویلی، رییس‌جمهور گرجستان خواند، متهم کرد.**

وزیر امور خارجه‌ی روسیه در این باره گفت: به نظرم ناتو در تلاش است تا مهاجم را قربانی نشان دهد، یک رژیم مجرم را لاپوشانی کند و یک رژیم شکست خورده را نجات دهد.

دفتر ریاست جمهوری فرانسه در بیانیه‌ای در انتقاد از عملکرد روسیه برای خروج نیروهایش گفت: پرزیدنت مدودف به سارکوزی گفت که خروج نیروهای روسی در ۲۱ و ۲۲ اوت (امروز و فردا) به پایان خواهد رسید، اما استثنای دارد و تیمی متشکل از ۵۰۰ تن که موظف به اجرای اقدامات امنیتی اضافی بر اساس بند پنج توافق ۱۲ اوت هستند، باقی خواهند ماند.

در همین حال، در پیش‌نویس قطعنامه‌ی ارایه شده به شورای امنیت سازمان ملل آمده است: باید به آتش بسی که طرفین با آن توافق کرده‌اند، کاملاً و سریعاً عمل کرد.

این پیش‌نویس که از سوی فرانسه به نمایندگی از کشورهای اروپایی و با حمایت اروپا ارائه شده است، هم چنین خواستار خروج سریع نیروهای روسی به خطوطی شده است که پیش از آغاز خصومت‌ها در هفتم اوت و بازگشت نیروهای گرجی به پایگاه‌های معمول خود، در اختیار داشتند.

این قطعنامه هم چنین بر تعهد تمام کشورها به حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی گرجستان در داخل مرزهایش که جامعه بین‌المللی آنها را به رسمیت شناخته، دوباره تأکید می‌کند.

اما ویتالی چورکین، سفیر روسیه در سازمان ملل متحد، شفاف توضیح داد که کشورش متن این قطعنامه‌ی پیش‌نهادی را نخواهد پذیرفت زیرا تنها دو مورد از شش اصل‌ی که در توافق صلح با میانجیگری سارکوزی بود را شامل می‌شود.

در همین حال، فرماندهان روسی در گرجستان اصرار داشتند بر این مطلب پا فشاری کنند که خروج نیروهای جنگی را آغاز کرده‌اند، اما نشانه‌های بسیار کمی در این ارتباط وجود داشت.

مشاهده شده است که هفت خودروی زرهی و سه تانک روسی شهر گوری را در مرکز گرجستان ترک می‌کنند.

اما یک مقام ارشد گرجی خروج نیروهای روسی را از گوری، شهر کلیدی متصل‌کننده‌ی شرق و غرب گرجستان رد کرد و گفت: این تنها نمایشی است که هدف آن ایجاد تصویری از خروج نیروهاست.

ارتش گرجستان هم چنین از این مطلب شکایت داشت که نیروهای روسی ۲۱ سرباز گرجی را در شهر بندری پتی در غرب گرجستان بازداشت کرده‌اند.

افزون بر این، دیوید میلیبند وزیر امور خارجه‌ی بریتانیا، در گرجستان اعلام داشت که تاخیرهای مداوم در خروج نیروها شهرت مسکو را جدا خدشه‌دار خواهد کرد.

وی در کنفرانس خبری مشترک با ساکاشویلی گفت: فشار بین‌المللی بر روی روسیه با هر گونه تعهد به خروج نیروها و انجام ندادن این تعهد بیشتر خواهد شد. حرف رییس‌جمهور یک کشور الزام آور است.

وزارت خزانه‌داری آمریکا نیز عنوان کرد: روسیه با اتخاذ تصمیم برای فرستادن نیروهایش به داخل گرجستان به جو تجاری خود لطمه وارد آورده است.

انتهای پیام

## تحلیل-خبرگزاری آلمان/ دوران یخی روابط آمریکا و روسیه در پایان ریاست جمهوری بوش

۲۷/۰۵/۱۳۸۷

ساکاشویلی (راست)، رییس‌جمهور گرجستان و رایسخبرگزاری دانشجویان ایران - تهران سرویس: بین‌الملل - گزارش و تحلیل

"در حالی که مدت زمانی نه چندان طولانی به پایان دوران ریاست جمهوری جورج بوش باقی مانده است، روابط آمریکا و روسیه بار دیگر به نازل‌ترین سطح خود رسیده است. جورج بوش در واکنش به تهاجم اخیر روسیه به گرجستان، این کشور را با اظهاراتی همچون 'مهاجم' و 'اشغالگر' خطاب کرد، اظهاراتی که به نظر می‌رسد آینده‌ی روابط روسیه و آمریکا را به خطر بیندازد."

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) خبرگزاری آلمان در تحلیلی با اشاره به حمله‌ی اخیر روسیه به گرجستان، این اقدام را گامی جهت تیره شدن روابط روسیه و آمریکا، آن هم در دوران پایانی ریاست جمهوری جورج بوش دانسته است.

این خبرگزاری نوشته است: "در حالی که جورج بوش، رییس‌جمهور آمریکا با اندکی 'حسن نیت' از بیان صریح پیامدهای احتمالی این اقدام روسیه ممانعت کرد، اما اتهامات قبلی وی به اندازه‌ای است که بتواند علاوه برحال، آینده‌ی روابط دو کشور را نیز تحت تاثیر قرار دهد.

شاید بتوان گفت که بوش به دلیل محدودیت‌های که دارد از ابراز کامل تبعات این اقدام روسیه خودداری کرد، چرا که وی تنها چند ماهی به عنوان نقش‌آفرین اصلی سیاست خارجی آمریکا حضور خواهد داشت و تعیین اصول سیاست خارجی آمریکا بعد از اندک مدتی به فرد دیگری واگذار خواهد شد."

طبق این تحلیل روابط آمریکا و روسیه در شرایط فعلی در سطحی واقع شده است که در اوایل دوران ریاست جمهوری بوش شاهد آن بودیم.

در ماه‌های اولیه دوران خدمت بوش نیز کاخ سفید با اتخاذ موضعی محافظه‌کارانه از سوی رییس‌جمهور جمهوری خواه این کشور به داشتن هر گونه روابط نزدیک با روسیه هشدار داد.

اما اندکی بعد از دوران اولیه ریاست جمهوری بوش، آمریکایی‌ها با دیدی معتمدانه و خوشبینانه تصمیم به تقویت روابط با روسیه نمودند به گونه‌ای که کاندولیزا رایس، وزیر امور خارجه‌ی آمریکا نیز در آن شرایط از بهبود روابط روسیه و آمریکا در حدی قابل توجه سخن گفت.

این در حالی است که این طور به نظر می‌رسد که در شرایط فعلی همه‌ی این موارد سپری شده است. اظهارات روزهای گذشته‌ی بوش با این مفهوم که روسیه آبرو و اعتبار بین‌المللی خود را زیر سوال برد نیز تاییدی بر ادعاهای بالاست.

خبرگزاری آلمان افزوده است: "البته افراد بسیاری نیز وجود دارند که بر این عقیده‌اند که آمریکا نیز در قدرت نمایی روسیه در گرجستان بی‌تقصیر نیست.

آمریکا با اقداماتی چون پذیرش و به رسمیت شناختن استقلال کوزوو، همین طور عضویت اوکراین و گرجستان در ناتو منجر به تحریک و برانگیختن بیش از پیش روسیه شد؛ طوری که می‌توان گفت مسکو با جنگ علیه گرجستان تلاش کرد که خطی روشن و خونین در عرصه سیاست بین‌المللی نقاشی کند.

روس‌ها از قرن ۲۰ تاکنون این احساس را دارند که جامعه‌ی بین‌المللی آنها را همچون لکه‌ی اضافی و کثیف می‌نگرد؛ اکنون آنها تلاش می‌کنند تا به این تصور غلط از خود پایان دهند و اقدام اخیر این کشور را می‌توان در راستای عملی کردن این هدف دانست.

مقامات آمریکایی جنگ قفقاز را یادآور هجوم شوروی به افغانستان و چکسلواکی در سال ۱۹۶۸ می‌دانند و اظهار می‌دارند که جنگ قفقاز بیش از پیش این حقیقت را آشکار کرد که مسکو این طور گمان می‌کند که دارای این حق است که به تمام جمهوری‌های سابق شوروی حمله کند.

از دیگر سو پوتین نیز با اظهار تاسف برای آمریکا، اظهار می‌دارد که آمریکا به جای کمک به ما اغلب به شکل شریکی که منافع ما را به خطر می‌اندازد، ظاهر شده است."

در قسمت پایانی این تحلیل آمده است: "با وجود استراتژی جدیدی که اکنون روسیه درپیش گرفته است، به نظر می‌رسد که واشنگتن و غرب باید ترکیب و آرایش ژئوپلیتیکی جدیدی درقبال این کشور اتخاذ کنند.

البته با توجه به مواضع اتخاذ شده از سوی جان مک‌کین، کاندیدای جمهوری خواهان و با

## گزارش-لس آنجلس تایمز/

### مناقشه‌ی روسیه-گرجستان، ضربه‌ای مهلك به سیاست خارجی بوش

۲۹/۰۵/۱۳۸۷

سربازان آمریکایی در حال آموزش نیروهای گرجی (تاریخ عکس ۱۸ ژوئیه ۲۰۰۸) خبرگزاری دانشجویان ایران - تهران سرویس: بین‌الملل - گزارش و تحلیل

"در چند روز اخیر دو ستون اصلی سیاست خارجی جورج بوش خراب شد، به طوریکه این موضوع هشت سال اقدامات وی را به مخاطره انداخته و باعث شده تا دولت آمریکا تا زمان بقای سیاسی اش به فکر استراتژی های جدیدی باشد."

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) روزنامه‌ی لس آنجلس تایمز در گزارشی نوشته است: "جورج بوش، رئیس جمهور آمریکا از اوایل دوران فعالیتش در این سمت اعلام کرده بود که گسترش دموکراسی در کانون سیاست خارجی اش قرار دارد. در همان زمان وی هم چنین تلاش کرد تا یک رابطه سازنده و نزدیک با روسیه برقرار کند.

بوش تلاش کرد تا در اموری مانند جنگ علیه تروریسم، مناقشه هسته‌ی ایران و تامین جهانی امور انرژی مسکو را با خود همراه کند.

در کنار دنبال کردن این دو سیاست مهم، بوش به شدت بر توسعه سیاستی که آن را رابطه قوی شخصی با رهبران جهان توصیف کرد، تاکید داشت."

این گزارش می‌افزاید: "شکست‌های اخیر این نگرش بوش همگی نگران کننده شده‌اند چون به نظر می‌رسید گرجستان یکی از دست آوردهای دولت واشنگتن در اقداماتش برای ایجاد دموکراسی‌های جدید که برای آمریکا منافی دارد، باشد.

اقدامات برای ایجاد رژیم‌های چند قومی و دموکراتیک در عراق و افغانستان با مشکلات مکرری روبرو بوده است.

تلاش واشنگتن برای برگزاری انتخابات در فلسطین نیز در نهایت به پیروزی گروه حماس منجر شد که این موضوع شکستی دیگر برای سیاست خارجی بوش محسوب می‌شود.

از زمان آغاز مناقشه اخیر در قفقاز، بوش بارها تصریح کرد که آمریکا از گرجستان حمایت می‌کند چون در این کشور پیشرفت‌های امور دموکراتیک دیده می‌شود.

بوش گفت: مردم گرجستان برای ایجاد دموکراسی در کشورشان بهای زیادی را پرداخته‌اند بنابراین ما آنها را تنها نمی‌گذاریم.

با این حال آمریکا که هجوم نظامی گسترده روسیه را به گرجستان می‌دید فقط به محکوم کردن اقدام نظامی مسکو اکتفا کرد و خواستار انعقاد آتش بس میان دو کشور شد.

دیوید ای فیلیپس، یک استاد دانشگاه برجسته این سوال را مطرح می‌کند که استراتژی آزادی مورد نظر آمریکا چیست؟ آیا این استراتژی همان آزادی است که آمریکا در افغانستان، عراق یا گرجستان می‌خواهد؟ یعنی آزادی که مربوط به منافع آمریکا باشد؟

آمریکا به شدت تلاش تلاش می‌کند تا گرجستان و اوکراین که به نوعی با روسیه در تقابل قرار دارند به پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) بپیوندند. اما روس‌ها به شدت با این طرح مخالفت کرده‌اند.

آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان نیز اخیراً اعلام کرده که مسیر برای پیوستن گرجستان در ناتو هم چنان باز است.

استفان فلانگان، از مرکز مطالعات بین‌المللی و استراتژیک می‌گوید: این اقدام یک چالش واقعی مقابل ایده ایجاد یک اروپای آزاد و باثبات محسوب می‌شود.

لسلی اچ هلب، رئیس سابق شورای روابط خارجی آمریکا نیز معتقد است که تهاجم خشونت آمیز مسکو در گرجستان ممکن است جنبش‌های دموکراتیک در اوکراین و دیگر کشورهای همسایه را در معرض خطر قرار بدهد.

هلب می‌گوید: دولت بوش نباید به این دموکراسی‌های نوپا اجازه بدهد تا فکر کنند آنها نیز می‌توانند همانند گرجستان در این شرایط قرار بگیرند و از این شرایط جان سالم به در ببرند و بدین طریق این دموکراسی را در معرض خطر قرار بدهند.

بوش با این سیاست خارجی فقط دموکراسی را در گرجستان به خطر نمی‌اندازد بلکه تمامی جنبش‌های دموکراتیک را با خطر روبرو می‌کند."



لس آنجلس تایمز نوشته است: "اگرچه مقامات آمریکا بارها به گرجستان هشدار داده بودند که به روسیه برای حمله به گرجستان بهانه ندهد، اما اکثر ناظران بین‌المللی معتقدند که حمایت‌های بیش از حد دولت بوش از دولت ساکاشویلی باعث می‌شود گرجستان قدرت مقابله با روس‌ها را داشته باشد و یا اینکه به خاطر رابطه نزدیک بوش و پوتین از حمله‌ی روسیه به خاک گرجستان جلوگیری شود."

اکثر کارشناسان معتقدند کشورهایی که هم پیمان آمریکا هستند فکر می‌کنند دیگر دشمن بزرگی در دنیا نخواهند داشت و اگر هم کشوری به آنها حمله کند آمریکا از آنها حمایت خواهد کرد اما حمله اخیر روسیه به گرجستان و عدم کمک آمریکا به گرجستان نشان می‌دهد که مقامات ارشد تفلیس خیال‌های پوچی را در مورد کمک‌های نظامی آمریکا داشته‌اند.

به گفته کارشناسان اقدام اولیه آمریکا برای تشویق ظهور جنبش‌های دموکراتیک در گرجستان و دیگر کشورها اشتباه نبوده است اما به نظر می‌رسد دولت بوش این موضوع را فراموش کرده که در کنار این اقدام باید موضوع ثبات و هم‌پیمانی نظامی با این کشورها را هرچه بیشتر تقویت کند.

هلب در ادامه می‌گوید: هر رییس جمهوری از گسترش دموکراسی حمایت می‌کند. اما طرح ایجاد کردن دموکراسی به زور در جوامعی که هرگز در آن تجربه نشده، یک اشتباه است و در اکثر این موضوع‌ها بهای زیادی پرداخته‌ایم.

بوش این نگرش تکاملی را رد کرده است و امیدوار است که دولت‌های دموکراتیکی که قبلاً وجود نداشته‌اند ایجاد شوند. وی بر رهبرانی تکیه کرده که در ظاهر شخصیتی کاریزماتیک داشته‌اند، اگرچه اکثر این رهبران با مناقشات جدی روبرو شده‌اند. ایاد علاوی، نخست وزیر سابق عراق و محمود عباس، رییس تشکیلات خودگردان فلسطین از این نوع رهبران هستند.

حامد کرزای، رییس جمهور افغانستان نیز جزو این رهبران محسوب می‌شود که تاکنون نتوانسته دولت کارآمدی در این کشور ایجاد کند. پرویز مشرف، رییس جمهور پاکستان نیز که از سمتش استعفا کرده نیز با ناکامی‌های بزرگی روبرو بوده است و ساکاشویلی نیز در مورد حد تحمل روسیه دچار ارزیابی‌های اشتباهی شده بود."

در انتهای این گزارش آمده است: "سیاست‌های بوش در مورد این رهبران ناکام از آب در آمده است. سیاست رییس جمهور آمریکا در مورد ایجاد روابط نزدیک با پوتین نیز شکست خورده است. بوش قصد داشت با ایجاد این رابطه نزدیک از نگرانی‌های روسیه در مورد یکسری اقدامات و اشنگتن از جمله طرح سپر دفاع موشکی آمریکا در اروپا بکاهد اما بوش به این نتیجه رسیده که این سیاستش ناکام بوده است و تعاملات دیپلماتیک نمی‌تواند فقط در روابط نزدیک خلاصه شود.

با توجه به ناکامی‌های آمریکا در تعامل با روسیه کارشناسان معتقدند که و اشنگتن باید با روسیه در مورد یکسری از مسائل با جدیت وارد مذاکره شود.

یکی از کارشناسان سیاسی می‌گوید: اگر روسیه احساس خطر کنند مطمئناً عامل خطرناکی خواهد بود."

## پیمان استقرار سیستم دفاع موشکی در لهستان امضاء شد

واشینگتن و ورشو روز چهارشنبه پیمان ایجاد پایگاه دفاع موشکی در لهستان را امضا کردند. این پایگاه در لهستان و در ۱۸۰ کیلومتری خاک روسیه ساخته خواهد شد.

این پیمان در ورشو توسط کاندولیزا رایس و رادوسلاو سیکورسکی، وزیران امور خارجه آمریکا و لهستان به امضا رسید.

خانم رایس پیش از امضای این پیمان گفت: بر اساس سندی که امضا می‌شود، «این پیمان به ما کمک خواهد کرد تا با تهدیدهایی که در قرن بیست و یکم متوجه ما می‌شود، از جمله موشک‌های دوربرد کشورهایمانند ایران و کره شمالی، مقابله کنیم.»

لخ کاجینسکی، رییس جمهوری لهستان، پیشتر در این خصوص گفته بود که روز امضای این پیمان، روز مهمی در تاریخ لهستان خواهد بود.

وی عصر سه شنبه با اعلام این موضوع در یک سخنرانی تلویزیونی اضافه کرد که این پیمان، موقعیت لهستان را در جهان تقویت خواهد کرد.

لهستان در حالی این پیمان را امضا می کند که به عضویت اتحادیه اروپا و پیمان ناتو درآمده است.

با امضای این پیمان انتظار می رود که همکاری نظامی آمریکا و لهستان افزایش یابد. لهستان به درخواست واشینگتن، نیروی نظامی به عراق و افغانستان اعزام کرده است.

\* «این پیمان به ما کمک خواهد کرد تا با تهدیدهایی که در قرن بیست و یکم متوجه ما می شود، از جمله موشک های دور برد کشورهای همانند ایران و کره شمالی، مقابله کنیم.»

### کاندولیزا رایس

در حالی که واشینگتن می گوید سیستم دفاع موشکی با هدف محافظت اروپا و آمریکا از تهدیدهای آینده از سوی کشورهایمانند ایران ایجاد خواهد شد، روسیه می گوید: این سیستم موشکی تهدیدی علیه این کشور است.

در این میان، به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، این پیمان برای لهستانی ها در زمانی که اقدامات روسیه در گرجستان زنگ خطر را برای کشورهای شرق اروپا به صدا درآورده است، اهمیت بیشتری می یابد.

بر همین اساس، لهستانی ها پیمان مربوط به سیستم دفاع موشکی را به مثابه حمایت از خود محسوب می کنند. پیمان مزبور در حالی امضا می شود که آمریکا و لهستان بیش از یک سال و نیم در مورد آن مذاکره کردند.

این مذاکرات اخیرا در پی تقاضای لهستان برای تقویت بیشتر امنیت این کشور با تحویل موشک های پاتریوت در ازای موافقت با سیستم دفاع موشکی با مانع مواجه شده بود.

لهستان این سیستم موشکی را برای مقابله با موشک های برد کوتاه کشورهایمانند روسیه تقاضا کرده بود. واشینگتن هفته گذشته با برآوردن این خواسته موافقت کرد.

آقای کاجینسکی در سخنرانی تلویزیونی خود اعلام کرد که سیستم مورد توافق دو کشور، دفاعی است و تهدیدی علیه هیچ کشور دیگری نخواهد بود.

در همین حال، لهستان از تهدید مسکو علیه خود به دلیل امضای پیش نویس موافقتنامه طرح سپر دفاع موشکی در هفته گذشته ابراز نگرانی کرده است.

یک روز پس از آن توافقنامه، یکی از فرماندهان ارتش روسیه با دادن شدیدترین هشدار در این زمینه به ورشو گفت که لهستان با استقرار این سیستم موشکی به طور قطع، خود را هدف حمله روسیه خواهد یافت.

به گزارش خبرگزاری های روسیه، ژنرال آناتولی نوگوویتسین، معاون رییس ارتش روسیه گفت دکترین نظامی مسکو، اجازه استفاده از سلاح های اتمی را در چنین شرایطی می دهد.

در پی این تهدیدها، لهستان روز سه شنبه از حمایت پیمان ناتو برخوردار شد و دبیر کل آن، یاهوپ دهبوپ شیفر، با سخنانی شدید الحن به تهدیدهای مسکو پاسخ داد.

بیشتر، واشینگتن توافقنامه ای را با پراگ امضا کرده است که بخشی از طرح سیستم دفاع موشکی، یک پایگاه رادار، در جمهوری چک احداث شود.

کرمین: روسیه در اواخر سال جاری قراردادی را با بلاروس امضا خواهد کرد که بر اساس آن، یک سیستم رادار مشترک ضد هوایی میان دو کشور ایجاد خواهد شد.

تصویب این قرارداد و توافقنامه به تصویب پارلمان های لهستان و جمهوری چک نیاز دارد.

سیستم رادار مشترک ضد هوایی

در ادامه این تحولات، کرملین اعلام کرد که روسیه در اواخر سال جاری قراردادی را با بلاروس امضا خواهد کرد که بر اساس آن، یک سیستم رادار مشترک ضد هوایی میان دو کشور ایجاد خواهد شد.

بلاروس همانند روسیه با سیستم دفاع موشکی مورد نظر آمریکا مخالف است.

به گزارش خبرگزاری رویترز، مقام های دفاعی روسیه در گذشته در خصوص احتمال احداث سیستم های ضد موشکی در بلاروس برای مقابله با سیستم دفاع موشکی آمریکا سخن گفته بودند.

این خبر پس از دیدار روز سه شنبه دمیتری مدودیف و الکساندر لوکاشنکو، روسای جمهوری روسیه و بلاروس، در بندر سوچی، واقع در کنار دریای سیاه، اعلام شد.

بیانیه کرملین در این خصوص حاکی است که روسای جمهوری دو کشور در مورد برگزاری اجلاس سران روسیه و بلاروس در مسکو در فصل پاییز سال جاری گفت و گو کرده اند.

بر اساس این بیانیه، آقایان مدودیف و لوکاشنکو در خصوص سیستم مشترک ضد هوایی به توافق رسیده اند و این اجلاس به طور رسمی در مورد آن تصمیم گیری خواهد کرد.

## نروژ:

### روسیه در صدد قطع همکاری های نظامی خود با ناتو است

۳۱/۰۵/۱۳۸۷

وزیر دفاع نروژ اعلام کرد: روسیه به اسلو اعلام داشته که در نظر دارد تمامی روابط نظامی اش با ناتو را به حالت تعلیق درآورد.

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) به نقل از خبرگزاری آسوشیتدپرس، وزیران خارجه ناتو در نشست روز چهارشنبه خود اعلام داشتند اگر مسکو به قول هایش برای خروج کامل نیروهای این کشور از گرجستان و مستقر ساختن آنها در مناطق پیش از درگیری، متعهد باشد معاهدات بیشتری با روسیه منعقد خواهد شد.

اما اسپن پارث اید، وزیر دولت در وزارت دفاع نروژ اعلام کرد: سفارت نروژ در مسکو یک تماس تلفنی از سوی یکی از مقام های عالی رتبه ای وزارت دفاع روسیه داشته مبنی بر اینکه مسکو در نظر دارد تمامی همکاری های نظامی اش را با ناتو و متحدانش متوقف کند.

اید در گفت و گو با آسوشیتدپرس اظهار داشت: این مقام روسیه به نروژ اطلاع داده که به زودی مکتوب این اظهارات را دریافت خواهیم کرد.

وی گفت: دیپلمات های نروژی در مسکو امروز (پنجشنبه) با مقام های روسی درباره ی تایید صحت این اظهارات دیدار می کنند.

اید افزود: درک ما این است که کشورهای عضو ناتو نیز یادداشت های مشابهی را دریافت خواهند کرد.

این وزیر نروژی تاکید کرد: مقام روسی برای سفارتخانه فرد شناخته شده است، اما ما نمی توانیم اطلاعات بیشتری در خصوص هویت این فرد ارائه دهیم.

مقام‌های کرملین از اظهار نظر درباره‌ی گزارش خودداری کردند و سفیر روسیه در ناتو نیز حاضر به پاسخگویی تلفنی نشده است، اما آژانس خبری اینترفاکس روسیه به نقل از یک منبع دیپلماتیک نظامی در مسکو اعلام کرد: روسیه در حال بازنگری بر طرح‌های همکاری نظامی سال ۲۰۰۸ خود با ناتو است.

مقام‌های دفتر ناتو در بروکسل نیز اعلام کردند: تاکنون مسکو هیچ اطلاعی درباره‌ی تعلیق همکاری‌هایش با ناتو ارائه نداده است.

رابرت وود، سخنگوی وزارت خارجه‌ی آمریکا در این رابطه گفت: اگر این مورد درست باشد واقعا قابل تأسف است. ما باید با روسیه در رابطه با یک سری مسائل امنیتی همکاری داشته باشیم، اما باید تأکید کنم که از عملکرد روسیه در گرجستان نگرانیم.

بر اساس توافق سال ۲۰۰۲ که شورای ناتو - روسیه تشکیل شد، دشمنان سابق دوران جنگ سرد یک سری پروژه‌های همکاری را آغاز کردند که شامل مشارکت کشتی‌های جنگی روسیه در گشت زنی‌های ضد تروریست ناتو در دریای مدیترانه، تبادل کارشناس برای مبارزه با مواد مخدر در خارج از افغانستان و توسعه‌ی فناوری‌های ضد موشکی می‌باشد.

هفته‌ی گذشته دبیمتری روگوزین، نماینده‌ی روسیه در ناتو به این ائتلاف غربی در خصوص قطع همکاری‌های روسیه با ناتو هشدار داده و گفته بود این اقدام به هر دو طرف آسیب می‌رساند.

اینترفاکس به نقل از منبع دیپلماتیک نظامی مسکو گزارش داد: به دلیل تصمیم ناتو برای تعلیق نشست شورای روسیه - ناتو مسکو طرح‌های همکاری نظامی سال ۲۰۰۸ خود با ناتو را مورد بازنگری قرار می‌دهد.

اید ابراز امیدواری کرد: ناتو و مسکو بتوانند با گفت‌وگو و همکاری به دوران گذشته بازگردند با این حال تأکید کرد که روسیه باید به آتش‌بس در گرجستان متعهد بماند.

وی تأکید کرد: متأسفم که شرایط به این گونه پیش رفت.

انتهای پیام